

توسعه است و ترکیه تمایل دارد نقش کوریدور را برای انتقال نفت و گاز ایران، به بازارهای غربی داشته باشد.

در حال حاضر برای تحلیل شرایط باید گفت ترکیه با این که به قطعنامه شورای امنیت رأی منفی داده، اما تصمیم این گروه را پذیرفته است. آمریکا به سهم خود، ترکیه را تشویق کرده که تلاش هایش را برای توافق با ایران در جهت برطرف کردن نگرانی‌های آمریکا ادامه دهد. با این که ممکن است ترکیه قصد داشته باشد جهان را تغییر دهد و در عوض، آمریکا بر حفظ شرایط موجود تأکید داشته باشد، به نظر می‌رسد واشنگتن و آنکارا، به قدری منافع مشترک دارند که نمی‌خواهند خللی در روابطشان ایجاد شود. ■

NPT نتوانسته از گسترش سلاح‌های اتمی جلوگیری کند. با توجه به همه این موارد، نظام کنونی مبارزه با تسلیحات اتمی، بدون ارایه برنامه‌های خاص برای خلع سلاح کامل هسته‌ای، سلاح‌های اتمی را برای کشورهایی که آن را در اختیار دارند، انحصاری کرده است.

گرایش به ایران در تهدید منافع آمریکا

ترکیه برای نگرش مثبت نسبت به ایران و مخالفت با تحریم‌ها برای خود دلایل کافی دارد. رهبران ترکیه از این که دو کشور سال‌ها روابط صلح آمیزی داشته‌اند راضی هستند و تمایل ندارند اقدامی کنند که این رابطه تخریب شود. تجارت ترکیه با ایران روز به روز در حال

دولت و پارلمان‌های بخش خصوصی

قهر و تشکیک

نگاه مهندس عبدالمهدی اجلالی، نایب رییس خانه صنعت و معدن ایران، به نقش و جایگاه تشکیک‌های خصوصی در توسعه صنعتی کشور



شده است. طبق اهداف برنامه چهارم توسعه، بنا بود بخش صنعت بتواند در پایان سال پنجم برنامه به رشدی معادل ۱۱/۲ درصد برسد، اما آمارها چنین رقمی را تأیید نمی‌کنند و مبین عقب ماندن بخش صنعت از اهداف مندرج در برنامه

هستند. آیا علت اصلی چنین روندی را نباید در نادیده انگاشتن نقش مهم تشکیک‌های غیردولتی صنعتی در تصمیمات اقتصادی دانست؟ اگر در کشور ما دولت رقیب جدی بخش خصوصی نبود، بسیاری از مشکلاتی که به خصوص در فضای کسب و کار با آنها درگیر هستیم، هرگز به وقوع نمی‌پیوستند.

توسعه صنعت، نیازمند رشد پایدار در شاخص‌های مالی، بانکی و سرمایه‌ای است. حل مشکلات این سه حوزه، بدون درک مشخصی از مشکلات بخش صنعت و بدون تعامل مستقیم با این بخش امکان پذیر نیست. از طرفی، از آنجا که امکان تعامل تک تک واحدهای تولیدی و صنعتی با ارکان تصمیم‌گیری نظام اقتصادی کشور وجود ندارد، کانال‌های تشکیک‌اتی موجود باید بیش از همیشه مورد توجه قرار گیرند. به مقوله مشکلات موجود ورود نمی‌کنیم، چرا که پیش از این در مقالات و مصاحبه‌هایی که نگارنده با ماهنامه «اقتصاد ایران» و سایر جراید انجام داده است، به کرات به این موارد اشاره شده است. بنگرید به جایگاه بخش خصوصی در تصمیمات مربوط به خصوصی سازی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی! دولت باید در اجرای چنین پروژه عظیمی از ابتدا با تعامل مستقیم نمایندگان بخش خصوصی به تعریف مسیر می‌پرداخت، اما نه تنها چنین نشد که حتی در ادامه مسیر با دخالت‌های غیرعلمی خود مانع حضور بخش خصوصی در اداره شرکت‌های واگذار شده شد. این موضوع را می‌توان در میزان و نقش بخش خصوصی واقعی در نظام مدیریتی شرکت‌های واگذار شده دید.

موضوع مهم دیگر که در این زمینه قابل ذکر است، مشکلات قانونی موجود در مسیر صنعتی شدن کشور می‌باشد. تشکیک‌های بخش خصوصی در کشور ما در این زمینه نیازمند حضوری پُررنگ به خصوص در عرصه قانون گذاری هستند. این امر از آن جهت اهمیت دارد که نظام جمهوری اسلامی ایران که در راستای برقراری دموکراسی اقتصادی در همه ابعاد خود در حرکت است، باید جنبه‌های مختلف این موضوع را در کشور نهادینه کند. نهادینه کردن این موضوع به خصوص در عرصه صنعت ایران نیازمند استفاده از سازوکارهای قانونی و منع تخطی از آن با تحکیم فرآیندهای قانون گذاری است. در حال حاضر، به نسبت قوه اجرایی کشور، قوه مقننه در ارتباطی متناسب‌تر و عقلایی‌تر با تشکیک‌های بخش خصوصی قرار دارد. ◀

پارلمان‌های بخش خصوصی در حقیقت مجموعه تشکیک‌های بخش خصوصی اقتصاد هستند که می‌توانند با تعامل مثبت و تجمیع پیرامون موضوعات، مشکلات و تناقضات قانونی بخش خصوصی را رفع نمایند. بدون شک بهترین جایگزین برای فعالیت‌های دولتی، تشکیک‌هایی هستند که از جایگاه علمی و عملی مناسب در زمینه فعالیت‌های مذکور برخوردارند. نگاهی به تشکیک‌های صنعتی، بازرگانی، علمی، فرهنگی و توسعه‌ای در کشورهای پیشرفته دنیا مبین این حقیقت است که بدون دخالت بخش خصوصی، پیشبرد اهداف بزرگ غیرممکن خواهد بود. نگاهی به سابقه فعالیت‌های تشکیک‌اتی در کشور به خصوص در بخش صنعت نشان می‌دهد که نگاه دولتی صرف دستگاه‌های اجرایی کشور به اقتصاد و عدم دخالت مؤثر بخش خصوصی در فرآیندهای تصمیم‌گیری، مانع اصلی شکوفایی تشکیک‌های صنعتی و تولیدی شده است. این در حالی است که نقش تشکیک‌ها در پیشبرد اهداف صنعتی، همانند نقش مردم در تعیین سرنوشت خود است.

در یک جامعه ملنی همچون کشور ما که پایه‌های تصمیم‌سازی در سطوح کلان مدیریتی بر عهده نمایندگان مردم است، می‌توان تشکیک‌های بخش خصوصی را نماینده بخش مربوط به صنعت در عرصه تصمیم‌گیری‌های کلان دانست. در سال‌های اخیر، روند رو به رشد خصوصی سازی در مملکت ما، نیاز روز افزون دخالت بخش خصوصی را در مجامع و محافل دولتی و قانون گذاری پُررنگ‌تر کرده است، لیکن متأسفانه در کشور ما از ظرفیت‌های موجود در بخش خصوصی و به ویژه تشکیک‌های حامی این بخش، استفاده کافی به عمل نمی‌آید. باید گفت ظرفیت‌های موجود در این تشکیک‌ها، منابع لازم را در راستای ارتقای بهره‌وری، نوآوری و آزمون رویکردهای مورد نیاز در عرصه توسعه اقتصادی در اختیار دولت قرار می‌دهند و این ثروت کمی نیست. اما در عوض، رویکرد دولت‌ها در قبال این تجربه ارزشمند، رویکردی قهری، توأم با نگاهی تشکیک‌آمیز بوده است.

نگاهی به جایگاه علم، تحقیق و توسعه در سازوکار تشکیک‌های غیردولتی - به عنوان مثال، خانه صنعت و معدن ایران - و مقایسه آن با بهره‌وری موجود در بخش دولتی نشان از نقش فعال این تشکیک‌ها در مسیر اهداف مبتنی بر زیرساخت‌های علمی و واقعی دارد. اگر نیاز امروز جامعه ایران را بر مبنای سند چشم‌انداز، حرکت در مسیر توسعه با نیت اول شدن در منطقه خاورمیانه باور داشته باشیم، این در، تنها بر پائنه تقویت پایه‌های بخش خصوصی می‌چرخد.

دموکراسی اقتصادی و تشکیک‌ها

در کشور ما به دلیل حاکمیت مطلق دولت بر تصمیمات اقتصادی و همه جانبه بودن این دخالت‌ها، صنعت به صورت مستقیم و غیرمستقیم از تصمیمات دولت متأثر

در نهایت باید گفت تولید در کشور ما در جایگاهی متناقض با اهداف تعریف شده واقع است. اگر شعار ما توسعه کشور و رشد اقتصادی تولید محور و صادرات محور است، این مهم به دست متولیان امر محقق خواهد شد و عجیب آن که نقطه اتکای رشد ۸ درصدی اقتصادی ایران، همان نقطه آسیب پذیر اقتصاد کشور ما محسوب می‌شود که به فراموشی سپرده شده است و آن چیزی نیست جز حضور تشکل‌های بخش خصوصی صنعتی. ■

این ارتباط که با حضور نمایندگان خانه صنعت و معدن و اتاق بازرگانی در کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی صورت می‌پذیرد، لازمه تحقق نیازهای امروز صنعت کشور است. البته نباید از ذکر این موضوع غافل شد که همواره در کشور ما قوانین موجود - که برخی از آنان از ظرفیت‌های بالایی در جهت توسعه کشور بهره‌مند هستند - مورد بی‌مهری نظام اجرایی واقع می‌شوند، لذا در وهله اول نیازمند بررسی انضباط قانونی دولت‌ها در احترام به قانون اساسی و سایر قوانین موجود در کشور هستیم.

واردات و تولید داخل

غریبه یا وطنی؟



نگاه آقای ضیاء متحدان، مدیر عامل شرکت زیراکس و رییس هیأت مدیره شرکت میخ‌پرچ

تکلیف خودمان را روشن کنیم

ملت ایران به دلیل ثروت‌های خدادادی و سرمایه‌های فراوانی که دارد، شایسته بالاترین و بهترین شاخص‌های رفاه است. کاش به جای آن که کالای

مصرفی خارجی را وارد این کشور کنیم، تکنولوژی تولید آن را وارد نماییم. مثلاً چرا باید امروز صنعت خودروی ایران که از قدمت بالایی برخوردار است، حایز استاندارد و اعتبار بالایی در دنیا نباشد؟ چون این تولید بر مبنای کیفیت فعالیت نمی‌کند. حال چرا دولت از این صنعت حمایت می‌کند؟

در همه جای دنیا دولت باید ناظر باشد، نه مجری. ما هنوز نمی‌دانیم آیا داریم به سمت و سوی سرمایه داری می‌رویم، آیا به سمت سوسیالیسم در حرکت هستیم و یا کمونیزم مقصد ما است؟ اگر می‌خواهیم معجونی از این نظام‌ها را داشته باشیم - همان طور که در کشور ما امروز به این سمت حرکت کرده‌ایم - کلاف سردرگمی حاکم خواهد شد که نتیجه آن بی‌سامانی در اداره کشور و به هم ریختگی اقتصاد ملی است. اگر قرار است خصوصی سازی اتفاق بی‌افتد بهتر است ساماندهی صورت بگیرد و اگر هم قرار است دولتی شدن اقتصاد در دستور باشد، لاقول تکلیف بخش خصوصی کشور روشن شود. تا زمانی که محدوده‌های تعریف نشود و هر کس در جامعه محبوس خود را نداند، سردرگمی با این وضعیت که اکنون شاهد آن هستیم ادامه خواهد داشت. تاریخ نشان داده است که در دهه‌های اخیر، تنها کسانی در عرصه رقابت موفق عمل خواهند کرد که نوآوری را در تولید نصب‌العین خود قرار داده‌اند.

عقب افتادگی تاریخی

مصرف کنندگی امروز در کشور ما امری عادی شده است. علت این که کشور آکنده از برندهای خارجی شده چیست؟ آیا به این دلیل نیست که تولید کننده ما نتوانسته سلیقه مصرفی مردم کشور را تأمین کند. در میان کشورهای همسایه، امروز ایران از نظر تاریخی به نوعی دچار عقب ماندگی شده و با نگاهی به گذشته می‌توان این امر را اثبات کرد. ترکیه از آن کشورهای است که در گذشته در مقایسه با کشور ما از وضعیت خوبی برخوردار نبود، اما با گذشت زمان به یکی از اقتصادهای پیشرفته دنیا تبدیل شده است. توریزم در این کشور چنان رشد کرده است که یکی از ارکان توسعه آن محسوب می‌شود، در حالی که توریزم در کشور ما عملاً رو به نابودی است. در یک کلام، کشور ما، علاوه بر پایه‌گذاری و اجرای سیاست‌های معقول در قبال بخش خصوصی، نیازمند ورود سرمایه‌گذاران خارجی است. ■

چرا یک جنس وطنی قادر به پاسخگویی نیازهای مردم نیست، اما یک جنس خارجی می‌تواند نیازهای مردم کشور ما را تأمین کند؟ با ذکر این سؤال به این نکته اشاره می‌کنیم که نمی‌توان هیچ مصرف کننده‌ای را مجبور به استفاده از یک کالای خارجی یا تولید داخل کرد. تولید کننده ایرانی از مزیت نسبی قابل توجهی برخوردار نیست و این امر به افزایش قیمت تمام شده و قیمت فروش کالای تولیدی خواهد انجامید. در این شرایط مصرف کننده به خرید کالایی مبادرت می‌کند که با قیمت تمام شده پایین‌تر از کشور ثالثی وارد شده است. چرا کالای چینی که از کشوری دیگر با پرداخت مالیات و عوارض و گمرک و هزینه حمل و ده‌ها مورد دیگر به کشور وارد می‌شود، ارزان‌تر از کالای داخلی است؟ چون مثلاً میانگین بهره بانکی ما ۱۸ درصد است و این نرخ در چین ۳ تا ۴ درصد می‌باشد و همین جا یک شکاف ۱۴ درصدی وجود دارد. هزینه ۳۳ درصدی بیمه که توسط کارفرما پرداخت می‌شود مشکل دیگری است. این ارقام را که کنار هم بگذاریم حدود ۳۰ درصد قیمت تمام شده را افزایش می‌دهند. آیا در چین همین رقم بیمه پرداخت می‌شود؟ به علاوه، اکثر کارخانجات مادر ما دولتی هستند و قیمت‌ها بر اساس عرضه و تقاضا تنظیم نشده‌اند.

عامل مهم دیگر، تعطیلات پیاپی موجود در کشور است که موجب می‌شود بازده نیروی انسانی در کشور ما بر خلاف کشوری همچون چین بسیار پایین باشد. اکنون با شرایط موجود، فروش - بر خلاف خرید - در کشور ما به صورت نقلی نیست و با این حساب، تولید کننده چگونه می‌تواند مالیات بر ارزش افزوده را از محل حساب بانکی خود و یا سایر دارایی‌ها بپردازد تا مشمول جریمه نشود؟ از طرف دیگر، با نگاهی به حجم چک‌های برگشتی در کشور ما که به معنای سوخت مطالبات است، باید گفت پرداخت این نوع مالیات به معنای پرداخت هزینه‌ای است که هنوز دریافت نشده است. این روند، منابع مالی ما را هم از بین برده است. در این راستا اگر قرار است صنایع مختلف، مانند صنعت مسکن که جزو صنایع مهم و اشتغال‌زا است، به همین وضعیت و بدون تبعیت از بازار عرضه و تقاضا ادامه یابند، حدود ۴۰۰ صنعت با کارخانه‌های متنوع محصولات وابسته در کشور ما زیر سؤال می‌روند. در این خصوص باید مالیات بر ارزش افزوده را به مآخذ ۶ ماهه طراحی کرد و در بیمه اجتماعی تجدید نظر نمود. زمانی که بحران جهانی اتفاق افتاد کشورها برای ایجاد جذابیت سرمایه‌گذاری نرخ بهره را کاهش دادند، اما در کشور ما این نرخ افزایش یافت. در حال حاضر این ادعا مطرح است که نرخ تورم در کشور ما تک رقمی شده است. اگر این چنین فرضی را بپذیریم، چرا نرخ بهره هنوز دو رقمی است؟ این موضوع تناقضی را نشان می‌دهد که قابل بررسی است. حدود ۱۹ هزار میلیارد تومان کالای قاچاق در کشور که به معنای عدم پرداخت ۳ درصد مالیات ارزش افزوده و عدم پرداخت عوارض گمرکی است، برای صنعت فاجعه بزرگ دیگری است.